



## نگاهی به کتاب صورتگری در اسلام . بخش دوم

### A Review of *Visual Art in Islam*

• هاجر کمالی

صورتگری و مجسمه‌سازی که از گذشته، جزء مسائل مورد علاقه‌ی بشر بود، در بسیاری از موارد به انحرافات بسیار مهمی مانند پرستش صورت‌های مصنوع دست بشر به صورت بت پرستی منتهی شده است. به همین دلیل، صورتگری در ادیان و اسلام مورد طعن و رد قرار گرفته، زیرا مجسمه‌سازی و صورت‌پردازی مقدمه‌ای برای بت پرستی بوده است. این مسئله در عصر حاضر ماهیت پرستش گونه‌ی خود را به طور جدی از دست داده است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به تحول موضوع صورتگری حکم مربوط به آن نیز تغییر یافته و یا آن که حکم آن معطوف به موضوع نیست بلکه خود دارای اصالت است.

در این مقاله که برداشتی از درس خارج فقه حضرت آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی با تقریر حجه‌پاسلام آقای محمدرضا جباران است، به تجزیه و تحلیل این موضوع

می پردازیم. البته باید توجه داشت که نوع برداشت و اجتهاد آیت الله جناتی در خصوص مسئله‌ی صورتگری به طور طبیعی با بسیاری از مجتهدان دیگر اختلاف دارد که دیدگاه‌های هر کدام از آنان مورد احترام است.

### طرح مسئله

در مسئله‌ی صورتگری با دو واژه روبه‌رویم: ۱. واژه‌ی «صورت» و مشتقات آن مثل تصویر ۲. واژه‌ی «مثال» و مشتقات آن مثل تمثیل. واژه‌ی «صورت» در فارسی، به معنای متعددی از جمله هیئت، خلقت، شکل، تمثال، نقش، نگار، عکس، ظاهر، قالب، جسم و کالبد به کار رفته است.<sup>۱</sup> تمثال نیز با معنای صورت، پیکر، شکل، تندس، تندسه، تندیس، تندیس، تصویر، شبیه، صورت نگاشته و پیکر نگاشته به کار رفته است.<sup>۲</sup> ولی از آن جا که احکام شرعی به زبان عربی وارد شده، لازم است معنای این دو واژه را در عربی بررسی کنیم.

### معنی «صورت» در عربی

صورت مفرد «صُور» در زبان عربی به معنی چهره، هیئت، حقیقت و صفت به کار رفته است.<sup>۳</sup> ابن منظور، یکی از لغت‌شناسان برجسته‌ی عرب، پس از آن که از ابن سیده نقل کرده است که صورت به معنی شکل به کار می‌رود، خود همانند صحاح اللغة و مصباح المنیر و لسان العرب آن را به تمثال معنی کرده است.<sup>۴</sup>

در معجم مقاییس اللغة ابن فارس آمده است: صورت هر آفریده‌ای همان هیئت آفرینش اوست. در قاموس محیط آمده است: صورت، همان شکلی است که اعیان خارجی با آن ظاهر می‌شوند و هر چیزی به وسیله‌ی آن شناخته می‌شود.<sup>۵</sup> اما ابن اثیر تصویر را به معنی ایجاد، ترتیب و تمیز دانسته و بر اساس همین معنی است که مصوّر (صورتگر) یکی از نام‌های خداوند متعال است.

### معنی «تمثال» در عربی

تمثال (مفرد تماثل) از ریشه‌ی مثل<sup>۶</sup> و اسم مصدر باب تفعیل همین ماده است.<sup>۷</sup> «مثل» به معنی شبیه و نظیر است<sup>۸</sup> و باب تفعیل آن همانند مجردش به معنی ایجاد مثال شیء است.<sup>۹</sup> مثال اسم مصدر «مماثلت» به معنی مشابهت و خود به معنی مشابه است.<sup>۱۰</sup> بنابراین، تمثال همان صورتی است که تصویر می‌شود. از این رو، اهل لغت تمثال را صورتی که کشیده می‌شود معنی کرده<sup>۱۱</sup> و گفته‌اند: سایه هر چیز تمثال اوست.<sup>۱۲</sup> زمخشری در اساس البلاغه نوشته است: تمثال ساختن همان تصویر کردن است.

### نسبت میان صورت و تمثال در لغت و واژه‌های فقهی

چنان که دیدیم میان ماده‌ی «ص و ر» و ماده‌ی «م ث ل» ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد، تا آن جا که اکثر اهل لغت هر یک از این دو ماده را به دیگری تفسیر کرده‌اند.<sup>۱۳</sup> بعضی هم به صراحت نوشته‌اند که تمثال همان تصویر است.<sup>۱۴</sup> اما بعضی از اهل لغت و فقیهان بین صورت و تمثال تفاوت‌هایی قائل شده‌اند.<sup>۱۵</sup> بعضی از متأخران نیز نسبت بین این دو واژه را عام و خاص مطلق دانسته‌اند.<sup>۱۶</sup> ولی به نظر نویسنده‌ی

کتاب، صورت و تمثال از هیچ جهتی با هم تفاوت ندارد، و معلوم می‌شود که لفظ تمثال و صورت از نظر لغت و اصطلاح فقهی با هم هیچ تفاوتی ندارد و هر یک از آن‌ها در جاندار و غیرجاندار و در مجسم و غیرمجسم به طور یکسان به کار می‌رود.

### نسبت صورت و تمثال بر اساس روایات

از مجموع روایت‌ها این گونه استفاده می‌شود که دو واژه‌ی تمثال و صورت از نظر کاربرد هیچ تفاوتی ندارند و هر دو به طور یکسان در مورد شبیه موجودات جاندار و بی‌جان و مجسمه و نقاشی به کار می‌روند. در هر دو مورد، مراد گوینده را باید از قرینه‌های موجود در کلام به دست آورد.<sup>۱۷</sup>

### پیشینه‌ی صورتگری

بدون شک، صورتگری با شاخه‌های مختلف خود مثل نقاشی، مجسمه‌سازی، برجسته‌کاری و... از جمله هنرهایی است که ریشه در فطرت انسان دارد، ولی ظهور و بروز آن از نتایج فن کوزه‌گری است.<sup>۱۸</sup> همچنین انسان اولیه احتیاج داشت که کوخ خود را با علامتی ممتاز سازد یا پایه‌ی توت‌م یا گوری را با مجسمه‌ی کوچکی که نماینده‌ی معبود یا مرده‌ی او بود، مشخص کند. از همین عمل که برای مشخص ساختن گور پدران آغاز شده بود، عمل مجسمه‌سازی به صورت هنری پیدا شد.<sup>۱۹</sup> چنان که می‌بینیم صورتگری پیش از آن که از بعد هنری مورد توجه انسان قرار گیرد، از ناحیه‌ی امور معنوی نظر او را به خود جلب کرده بود.

در متون روایی اسلامی، روایت‌های زیادی در این باره به دست ما رسیده است که طبق آن‌ها مجسمه‌سازی پس از حضرت آدم به قصد تذکر و یادبود و بارویکرد عاطفی شروع شد، ولی به پرستش و عبودیت انجامید.<sup>۲۰</sup> از این رو، در تمام دوره‌هایی که تاریخ موفق به ثبت حالت‌ها و رخداد‌های آن شده یا آثاری گویا از آن‌ها بر جای مانده، مجسمه‌سازی وجهی آیینی داشته است.<sup>۲۱</sup>

### صورتگری در ایران

در کاوش‌هایی که در دهه‌های اخیر انجام شد، این باور را تقویت کرد که نه تنها این هنر و هنرهای وابسته از زمان‌های بسیار دور در میان ایرانیان رواج داشته بلکه نسبت به موارد مشابه خود در کشورهای دیگر از امتیازاتی نیز برخوردار بوده است. از ویژگی‌های هنر ایرانی به طور عام و مجسمه‌سازی به طور خاص می‌توان بر کاربردی بودن آن تأکید کرد. از ویژگی‌های مهم هنر مجسمه‌سازی در ایران حفظ حریم‌هاست تا آن‌جا که حتی مجسمه‌ی برهنه اعم از زن و مرد، در میان آثار ایرانی به دست نیامده است.<sup>۲۲</sup> ولی پس از تسلط یونانیان بر ایران، در هنر ساسانی تحت تأثیر هنر رومی توجه به نقش بانوان رقص و رامش‌گران که در عهد هخامنشی سابقه نداشت، مشهود است.<sup>۲۳</sup>

هنر ایرانی چنان که گویی از افقی برتر می‌نگرد، از حکایت جزئیات صرف نظر و به حکایت اصول کلی اکتفا می‌کند.<sup>۲۴</sup> از این جهت، هنر ایران باستان به مجرد نزدیک‌تر و از عینیت دورتر و در مرحله‌ی کامل‌تری است.<sup>۲۵</sup>

### عناصر معنوی در هنر ایرانی



هرچند نمی‌توان ایرانیان باستان را در زمره‌ی بت پرستان قرار داد و هم از این رو اکثر تندیس‌ها و سنگ‌نگاره‌هایی که از ایشان به جای مانده از این آلودگی میراست، ولی بدون شک باورهای مذهبی ایشان بر این دسته از هنرهای تأثیر نبوده است. بنابراین، در ایران باستان، علی‌رغم این که هنر صورتگری رسالت‌های دیگری نیز بر عهده داشته اما با تمام رشته‌های وابسته‌ی خود در خدمت دین بوده و بسیاری از باورهای مذهبی مردم با مجسمه‌ها، سنگ‌نگاره‌ها و کنده‌کاری بر روی فلزات نمایش داده می‌شده است.<sup>۲۶</sup>

### تحریم صورتگری در دین‌های دیگر

هرچند در طول تاریخ، به‌طور معمول هنر صورتگری با رویکرد آیینی مورد توجه مردم بود و یکی از شئون دینی شناخته می‌شد، ولی از دورترین دوره‌های تاریخ تا زمان ظهور اسلام گاه‌وبی‌گاه به مواردی برخورد می‌کنیم که دین و دینداران به مخالفت با این هنر برخاسته و آن را ممنوع یا محدود کرده‌اند؛ از جمله در آیین بودا، دین یهود، در اوآن فعالیت کلیسای مسیحیت، در مصر و در زمان حکومت اختانون.<sup>۲۷</sup>

اگر این اقدامات را از بعد مبارزه با خرافات مورد ارزیابی قرار دهیم، تصدیق می‌کنیم که این افراد انسان‌های فکوری بوده‌اند که به صلاح و فساد جامعه می‌اندیشیده‌اند. توضیح این که فایده‌ی هنر این است که با جلب نظر انسان به مفهوم‌های عالی موجب تکامل و تعالی او می‌شود؛ ولی هنگامی که به توسعه‌ی توهم انسان کمک و موهومات را تبلیغ کند و موجب کاستی عقل شود، دین‌های الهی که رسالت تعالی بخشیدن انسان را به عهده دارند و به تبع، دین‌مداران آگاه با آن مقابله می‌کنند.

### صورتگری در قرآن کریم

قرآن کریم صورت و صورتگری را از زاویه‌های مختلف مورد بحث قرار داده است که در این جا پنج رویکرد قرآنی به این مسئله را به صورت خلاصه مطرح می‌کنیم.

۱. صورتگری یکی از شؤون خالق متعال: در آیه‌هایی چند از قرآن کریم، «مصور» از اسامی خداوند متعال شمرده می‌شود.<sup>۲۸</sup>
۲. صورتگری، معجزه‌ی حضرت عیسی (ع): در آیه‌هایی از قرآن کریم، تصریح شده که آن حضرت از گل پرنده‌ای ساخت و سپس در آن دمید و آن مجسمه به امر خدا جان گرفت.<sup>۲۹</sup>
۳. صورتگری در خدمت صالحان: در آیه‌هایی چند در ضمن نعمت‌هایی که به حضرت سلیمان ارزانی داشته شده، بیان می‌کند که گروهی از جن که مسخر آن حضرت بودند، برای او تمثال‌هایی که می‌خواست می‌ساختند.<sup>۳۰</sup>
۴. صورتگری عامل انحراف: همان‌طوری که گذشت، رویکرد رایج بشر به صورتگری عبادی بوده است. قرآن کریم علاوه بر موارد فراوانی که با بیان‌های مختلف انسان را از پرستش بت‌ها بر حذر داشته، در یک آیه به عنوان پرستش تمثال، آن را مورد نکوهش قرار داده است.<sup>۳۱</sup>
۵. گوساله‌ی سامری: قرآن کریم شش بار در جاهای مختلف درباره‌ی مجسمه‌ی گوساله‌ای سخن می‌گوید که شخصی به نام سامری از بنی اسرائیل آن را ساخت و مردم را به پرستش آن دعوت کرد. در این باره، قرآن بنی اسرائیل را به کفر، ظلم و گناه و نادانی متهم و به استحقاق خشم الهی محکوم می‌کند که سخن از گرایش عبادی به مجسمه‌ی گوساله مطرح است نه از ساختن آن.<sup>۳۲</sup>



با توجه به مجموع این آیه‌ها و رویکردهای قرآنی به مسئله‌ی صورتگری، گرایش عبادی به سوی صورت‌هایی است که ساخته می‌شود و نوک پیکان مبارزه‌ی قرآن به سوی گرایش عبادی به صورت و تمثال است.<sup>۳۳</sup>

### جایگاه صورتگری در فقه مذاهب

از آن‌جا که عنوان هنر در ادله‌ی فقهی وارد نشده، در کتاب‌های فقهی هیچ یک از مذاهب اسلامی بحثی مستقل درباره‌ی هنر منعقد نشده است؛ ولی با این حال ادله‌ی فقهی از عناوین رشته‌های هنری خالی نیست و در میان رشته‌های مختلف، صورتگری شامل نقاشی، مجسمه‌سازی، کنده‌کاری و... از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، این رشته نیز از دریچه‌ی هنر مورد توجه قرار نگرفته است.

### فصل دوم: بررسی فقهی

آیا صورتگری دارای قبح ذاتی است؟ برای بررسی فقهی این مسئله باید فعل‌هایی که در دین تحریم شده‌اند، بررسی شوند. این فعل‌ها بر سه دسته‌اند:

۱. فعل‌هایی که در ذات خود زشت و قبیح‌اند.

۲. فعل‌هایی که خود علت قبح و زشتی نیستند.

۳. فعل‌هایی که علت قبح‌اند و اقتضای آن را دارند.

هرگاه تحت عنوان زشتی قرار گیرند، زشت‌اند و برعکس. قدرمشتک دو دسته‌ی اول این است که زشتی خود را از عنوانی دیگر کسب نمی‌کنند، بلکه به نحو علیت و یا به نحو اقتضا، زشتی را در خود دارند و هم از این رو در هیچ شریعتی تجویز نشده‌اند. بنابراین، صورتگری بر فرض حرمت، از قبیل دسته‌ی سوم محرمات است؛ یعنی نه قبح ذاتی دارد و نه قبح عرضی و قرآن آن را به عنوان عمل مباح تلقی می‌کند.

### تأثیر تحول موضوع در حکم شرعی

موضوع نسبت به حکم شرعی همانند علت نسبت به معلول است؛ به این معنی که بدون تحقق موضوع حکمی محقق نمی‌شود، همان‌طور که بدون تحقق علت معلول به وجود نمی‌آید. ملازمه‌ی این اصل این است که هرگونه تغییر و تبدیلی در موضوع به طور مستقیم در حکم اثر بگذارد. بنابراین، با این که ثبات و تغییر ناپذیری حکم‌های شرعی و دلیل‌های حکم‌های قطعی است و در عین حال که معیارهای استنباط حکم، ثابت و تغییر ناپذیر است، تغییر موضوع‌ها، احکام را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث تغییر آن‌ها می‌شود.

پس تغییر حکم به خاطر تغییر موضوع در روایت‌ها وارد شده و صورتگری به عنوان یک موضوع که فی‌الجمله در شرع مقدس اسلام تحریم شده است، در عصر حاضر:

۱. دارای ملاکی که موجب حرمت آن شود، نیست؛

۲. با پدیده‌های دیگر مناسباتی متفاوت با عصر تشریح دارد؛

۳. شرایط تحقق آن با ظروف و شرایط عصر تشریح متفاوت است.



بنابراین، موضوعی که امروزه تحت عنوان صورت و صورتگری شناخته می‌شود، به طور کلی با آن چه زمان تشریح تحقق داشته، متفاوت است. از این رو، می‌توان گفت حکمی که بر آن مترتب بود، در حال حاضر نیست.

### قیدهای موضوع ادله‌ی صورتگری

موضوع بحث در مسئله‌ی صورتگری (تصویر) به معنی شبیه‌سازی است؛ یعنی ساختن شبیه موجودات طبیعی که بدون واسطه‌ی خداوند، و مخلوق هستند.

### حکم صورتگری در فقه مذاهب

مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت، به اتفاق، ساختن شبیه موجودات بی‌جان و جامدات را به طور مطلق جایز می‌دانند و درباره‌ی تصویر موجودات جاندار مثل انسان و حیوانات با این که همگی آن را تحریم کرده‌اند، قیدها و شرط‌های متضادی قائل شده‌اند. اما به طور اجمال بعضی از قدمای اهل سنت به طور کلی هر نوع صورتگری اعم از مجسمه و نقاشی را جایز می‌دانند.

در فقه شیعه، صورتگری به صورتی دقیق‌تر و گسترده‌تر مورد بحث قرار گرفته است؛ چنان که در بین فقیهان شیعه جواز تصویر موجودات غیرجاندار نه تنها مشهور است بلکه با اندکی تسامح می‌توان گفت هیچ مخالفتی ندارد.

### صورتگی در فروع فقهی

همان‌طور که گذشت در فقه اسلامی، عمل صورتگری، صرف نظر از قیدها و شرط‌ها، فی‌الجمله تحریم شده است. بنابراین لازم است تا گفته‌ها و دیدگاه‌های فقیهان را در این زمینه مطرح کنیم.

در فقه، درباره‌ی صورتگری شش گفته وجود دارد:

۱. **حرمت مطلق:** به این معنی که ساختن هرگونه صورتی توسط انسان حرام است. این قول در میان فقیهان امامیه قائلی ندارد، ولی برخی از فقیهان اهل سنت آن را اختیار کرده‌اند. برای اثبات این قول به روایت‌های وارد شده رجوع می‌کنیم:

۱. روایت‌هایی که به طور صریح صورتگری را نهی می‌کنند.

۲. روایت‌هایی که صورتگری را منشأ تنابیحی ناگوار چون خروج از اسلام و گرفتاری به سخت‌ترین عذاب الهی شمرده‌اند.

۳. روایت‌هایی که صورتگران را لعنت می‌کنند.

۴. روایت‌هایی که مزد صورتگری را تحریم می‌کنند.

۵. روایت‌هایی که با حکایت یک واقعه‌ی تاریخی از حرمت صورتگری خبر می‌دهند.

۶. روایت‌هایی که تزئین خانه‌ها را به وسیله‌ی مجسمه و نقاشی نهی می‌کنند.

۷. روایت‌هایی که دلالت بر این دارند که معصومان وجود تمثال را در خانه خوش نداشتند.

۸. روایت‌هایی که دلالت دارند فرشتگان به خانه‌ای که دارای صورت و تمثال باشد، وارد نمی‌شوند.

با بررسی و جمع‌بندی ادله‌ی قول حرمت مطلق این نتیجه به دست می‌آید که در بین همه‌ی آن

روایت‌ها، روایت معتبری که بر این مقصود دلالت کند وجود ندارد. بنابراین حرمت صورتگری به طور مطلق ثابت نیست.

**۲. حرمت تصویر جانداران:** گروه زیادی از فقیهان شیعه و سنی تصویر جانداران را چه به صورت مجسمه و چه به صورت نقاشی تحریم کرده‌اند. برای اثبات این قول، بر تعدادی از روایات استدلال شده است که از جهات مختلف قابل اعتماد نیستند.

**۳. حرمت مجسمه به طور مطلق:** طبق این قول، معیار حرمت، تجسیم است؛ به این معنی که اگر شبیه به صورت مجسمه ساخته شود حرام است، خواه شبیه جاندار باشد یا بی جان. این قول در حد یک نظریه بیش تر نیست و از فقیهان شیعه قائلی ندارد. در این قول از هیچ روایتی به طور مستقیم استفاده نمی‌شود و هیچ یک از فقیهان این قول را نپذیرفته‌اند. طرفداران این نظریه نیز به طور مطلق سخن گفته‌اند.

**۴. حرمت مجسمه‌ی جانداران:** طبق این قول، همه گونه صورتگری اعم از نقاشی و مجسمه سازی، جز مجسمه‌ی موجودات جاندار جایز است. این قول که بر طرفدارترین قول میان اقوال شش گانه است، مشتمل بر دو ادعاست:

الف) حرمت ساختن مجسمه‌ی جانداران؛

ب) اختصاص حرمت به این قسم و جواز سایر اقسام صورتگری شامل نقاشی جانداران و مجسمه و نقاشی موجودات بی جان که برای ادعای دوم چند دلیل وجود دارد: ۱. اصله الاباحه؛ ۲. اطلاق ادله‌ی اکتساب؛ ۳. حدیث مناهی؛ ۴. نهی ائمه (ع) در پاسخ سؤال از حکم نماز گزاردن و نگه داشتن مجسمه که با مجسمه سازگاری دارد نه با نقاشی؛ و ۵. روایت‌هایی که دلالت می‌کنند که هر کس صورتی ایجاد کند، در قیامت مکلف می‌شود آن را جان بخشد.

این احادیث یا قابل اعتماد نیستند یا سندهای آن‌ها ضعیف است و یا فقیهان در بعضی از آن‌ها ادعای اجماع کرده‌اند. بنابراین، اگر دلالت آن‌ها تمام باشد، می‌توان به عنوان حکم به آن‌ها استناد کرد اما بررسی این روایت‌ها این اطمینان را به ما می‌دهد که موضوع آن‌ها مطلق مجسمه نیست، بلکه مجسمه‌ای است که برای مقابله با خدا و رسول (ص) ساخته می‌شود؛ یعنی به عنوان بت و برای پرستش ساخته می‌شود.

**۵. جواز نقاشی موجودات بی جان:** طبق این قول، ساختن هر نوع صورت جز نقاشی موجودات بی جان حرام است. این قول که فقط از عبارت دو تن از فقیهان، شیخ طوسی در **نهایه** و کیدری در **اصباح الشیعه** استفاده می‌شود، از آن جا که بین فقیهان رایج نیست و **نهایه** و **اصباح** نیز در زمره‌ی کتاب‌های استدلالی نیستند، دلیلی هم بر صحت آن‌ها اقامه نشده است.

**۶. اباحه‌ی مطلق:** این قول در نقطه‌ی مقابل قول اول قرار دارد. همان طور که در قول اول هر گونه صورتگری تحریم شده، در این قول تمام انواع صورتگری تجویز شده است. برای اثبات این قول، به سه دسته دلیل استدلال شده است:

۱. آیاتی از قرآن مجید که بدون هیچ گونه انکاری، از کنار آن گذشته است؛

۲. روایت‌هایی که صورتگری را ضدیت و مقابله با خدا معرفی می‌کنند؛

۳. روایت‌هایی که بر شدت عذاب صورتگران دلالت می‌کنند.

از این روایت‌ها بر می‌آید که اگر کسی بدون هیچ قصدی و با انگیزه‌ای صحیح و عقلایی نقاشی یا پیکرتراشی کند، مشمول ادله‌ی حرمت نیست؛ زیرا مجسمه‌ای که به قصد پرستش ساخته می‌شود همسنگ مبارزه با پیامبران و گمراه کردن مردم و درخور سخت‌ترین عذاب‌هاست. پس صورتگری بدون قصد بت‌سازی به طور مطلق جایز است.

## ملاک حرمت صورتگری

هر حکمی که در شرع مقدس اسلام تشریح شده مستند به حکمتی است. اگر عملی واجب می شود به خاطر مصلحتی است که در انجام آن وجود دارد و اگر عملی تحریم می شود ناشی از مفسده ای است که ارتکاب آن در پی دارد. در صورتی که بتوانیم ملاک حکمی را به طور قطعی تشخیص دهیم، حکم دائر مدار آن خواهد بود؛ به طوری که هر جا ملاک منتفی باشد، حکم نیز منتفی خواهد بود. به استناد این قاعده، حرمت صورتگری نیز مستند به مفسده و دارای ملاکی است.

فقیهان در صدد تعیین ملاک حرمت صورتگری چند وجه را ذکر کرده اند که این وجه ها را به طور خلاصه مطرح می کنیم:

۱. علت حرمت این است که ساختن صورت به تکریم و تعظیم آن منجر می شود تا آن جا که به عبادت و پرستش منتهی می شود. اسلام برای قطع این علاقه و بستن باب شرک و بت پرستی صورتگری را تحریم کرده است.<sup>۳۴</sup> از فقیهان شیعه، امام خمینی نیز این وجه را به صورتی قابل قبول تقریر کرده است.<sup>۳۵</sup> از ابوسعید<sup>۳۶</sup> اصطخری و طحاوی نیز نقل شده است.<sup>۳۷</sup>

برای تأیید این وجه می توان به روایتی که از وجود مقدس ولی عصر (عج) به دست ما رسیده است استناد کرد. صدوق در اکمال الدین از محمد بن عثمان سمري، نایب خاص امام زمان (عج)، روایت کرده که تعدادی مسئله از امام (ع) پرسیده و حضرت جواب آن ها را برایش نوشته است. در جواب یکی از مسائل محمد بن عثمان آمده است: «اما این مسئله که درباره ی نمازگزارى پرسیده ای که آتش، صورت یا چراغ در مقابل اوست، این کار برای کسی جایز است که پدر و مادرش بت پرست یا آتش پرست نبوده باشند»، که سند حدیث معتبر و دلالتش واضح است.

۲. علت حرمت این است که صورتگری در میان مشرکان رواج فراوان داشت. مسلمانی که صورتگری کند به مشرکان شباهت می یابد و اسلام برای جلوگیری از تشبّه با مشرکان این کار را تحریم کرده است.<sup>۳۸</sup>

این وجه قابل قبول نیست، چون اگر این وجه را قبول کنیم، باید بپذیریم که در زمان حضرت سلیمان (ع) نیز موجب شباهت می شد. از این گذشته، هیچ دلیلی بر حرمت تشبّه با مشرکان در غیر موضوع دین نداریم.

۳. وجود صورت و تمثال در هر مکانی مانع دخول فرشتگان است. این موجب می شود که انسان از حضور آن ها و دعا و استغفار ایشان محروم شود.<sup>۳۹</sup> اگر این وجه صحیح باشد، باید هر چیزی که مانع ورود فرشتگان می شود حرام شود؛ مثل وجود انسان جنب، سگ و ظرف ادرار در خانه. در حالی که هیچ کس قائل به حرمت آن ها نشده است.

۴. علت حرمت، تشبّه به خدا در آفرینش است. کسی که صورتگری می کند، در عمل به خدا تشبّه می جوید. این قول را بسیاری از فقیهان شیعه و سنی پذیرفته اند.<sup>۴۰</sup> اگر منظور از این وجه همین باشد که از ظاهر کلام فقیهان استفاده می شود، از دو جهت خدشه پذیر است:

الف) این که تشبّه به آفریننده نه تنها حرام نیست، بلکه به وجهی، مطلوب نیز هست.

ب) این که تشبّه به آفریننده فقط در ساختن مجسمه ی جانداران تحقق پیدا نمی کند، بلکه در تصویر مناظر نیز صدق می کند و به قول شیخ انصاری در نقاشی هم تحقق پیدا می کند؛ در حالی که این قول چندان قائلی ندارد. برای رفع این دو اشکال، به نظر می رسد منظور از تشبّه به آفریننده صرف تشبّه نیست،



بلکه تشبّه همراه با ضدیت، مقابله و گردنکشی است.<sup>۳</sup>

با توجه به مجموعه‌ی روایت‌هایی که در این باب وارد شده، به نظر می‌رسد این وجه با این توجیه و وجه اول با توجیهی که از امام خمینی نقل شده صحیح است. این دو وجه ملاک حرمت صورتگری است، به این معنی که اگر صورت و تمثال به جهت ضدیت با خدا یا حفظ آثار کفر و بت پرستی ساخته شود، حرام است و گرنه جایز می‌باشد.

### نتیجه

چنان که دیدیم، در میان دلیل‌هایی که برای حرمت صورتگری اقامه شده، دلیلی که از نظر سند و دلالت تمام باشد و به طوری بر حرمت دلالت کند و یکی از اقوال پنج‌گانه‌ای را که به طور اجمال مدعی حرمت صورتگری شده‌اند ثابت نماید، وجود نداشت. در نتیجه، قول ششم ثابت می‌شود؛ چرا که حتی اگر دلیل‌های حرمت با وجود دلالت، موجب شک شوند، اصل در این گونه مقامات اباحه است. بنابراین، در یک کلمه به طور خلاصه، صورتگری اگر به منظور ساخت وسایل و هیاکل عبادت باشد به هر صورت خواه مجسمه، خواه نقاشی، چه از موجودات جاندار، چه از موجودات بی‌جان و حتی موجودات خیالی، حرام و موجب عذاب شدید الهی است. ولی در صورتی که برای این منظور نباشد، بلکه برای غرضی صحیح، مثل ساخت وسایل تزئینی یا از باب علاقه به رشته‌ی نقاشی و مجسمه‌سازی به عنوان یک فعالیت هنری انجام شود، هیچ دلیلی برای حرمت آن در دست نداریم. از آن‌جا که حکم جواز و اباحه در همه‌ی اشیا مطابق اصل حرمت، برخلاف اصل است؛ اثبات جواز در هیچ مسئله‌ای نیاز به دلیل ندارد. کسانی باید برای مدعای خود دلیل اقامه کنند که در صدد تحریم و منع چیزی هستند. با این حال، حکم به جواز مطلق صورتگری را می‌توان با چند وجه تأیید کرد.

### مؤیدات جواز صورتگری

۱. موضع قرآن در قبال صورتگری جز در مواردی که بحث از بت، بتگری و بت پرستی است، همانند موضعی که در مواجهه با محرّمات از قرآن سراغ داریم نیست.
۲. ملاک حرمت، ضدیت و گردن‌کشی در مقابل خدا یا احیای آثار کفر و بت پرستی است و این ملاک فقط در بت‌سازی وجود دارد.
۳. در تعداد زیادی از روایت‌ها آمده است که اگر صورت و تمثال مورد اهانت قرار گیرد، نگه‌داری آن اشکالی ندارد. از این روایت‌ها استفاده می‌شود موضوع مورد بحث تماتیل و تصاویری است که مورد تعلیم و احترام مشرکان و بت پرستان بوده است و امامان به پیروان خود دستور داده‌اند با اهانت به آن‌ها، خود را از شبهه‌ی گرایش به بت‌تظہیر کنند. در غیر این صورت، اهانت به مجسمه و نقاشی کاری عاقلانه نیست و حسنی ندارد که شارع ما را به آن مکلف کند.
۴. طبق پاره‌ای از روایت‌ها، معصومان با تمثال و صورت برخورد ملایمی داشته‌اند و بنابراین منظور مجسمه‌سازی معمولی نیست.

### یادداشت‌ها

۱. محمدرضا جباران، صورت‌نگری در اسلام (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۳).



۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه.

۳. ابن اثیر، نهایه؛ زبیدی، تاج العروس.

۴. راغب اصفهانی، مفردات.

۵. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة.

۶. تاج العروس؛ لسان العرب.

۷. لسان العرب.

۸. ابن منظور، لسان العرب، صاحب بن عباد، قاموس محیط؛ زبیدی تاج العروس؛ ابن درید، جمهره اللغة و تحلیل ابن احمد،

العین.

۹. ابن منظور، لسان العرب.

۱۰. همان.

۱۱. رازی، مختار الصحاح.

۱۲. همان.

۱۳. لسان العرب، المصباح المنیر، صحاح اللغة و مجمع البحرین.

۱۴. راغب، مفردات و رازی، مختار الصحاح و ابن منظور، لسان العرب و نبوی، مصباح المنیر و طریحی، مجمع البحرین و

ابن درید، جمهره اللغة و تحلیل ابن احمد، العین.

۱۵. جباران، صورتگری در اسلام، ص ۱۷.

۱۶. همان، ص ۱۸.

۱۷. همان، صص ۲۰، ۲۵.

۱۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ی احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریان پور، ج ۱ (تهران: سازمان انتشارات و آموزش

انقلاب اسلامی، ج ۲، ۱۳۶۷)، ص ۱۰۵.

۱۹. همان.

۲۰. جباران، صورتگری در اسلام، ص ۲۸.

۲۱. یونسکو، تاریخ یسرفت علمی و فرهنگی بشر، ترجمه ی پرویز مرزبان (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶=۱۳۵۶)، ج ۱،

ب، ۲، ق، ۲، ص ۸۳۱.

۲۲. جباران، صورتگری در اسلام، صص ۳۱، ۳۴.

۲۳. علی قلی وزیر، تاریخ عمومی هنرهای مصور، صص ۱۵۶، ۱۵۵.

۲۴. حمید نیر نوری، سهم ایران در تمدن جهان، ص ۴۲۳.

۲۵. جباران، صورتگری در اسلام، همان، ص ۳۶.

۲۶. همان، صص ۳۶، ۳۸.

۲۷. همان، صص ۳۹، ۴۱.

۲۸. حشر، آیه ی ۲۴؛ سوره ی آل عمران، آیه ی ۶؛ سوره ی غافر، آیه ی ۲۴؛ سوره ی تغابن، آیه ی ۳.

۲۹. سوره ی آل عمران، آیه ی ۴۹؛ سوره ی مائده آیه ی ۱۱.

۳۰. سوره ی سبا، آیه ی ۱۳؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۸۳؛ تبيان، ج ۱، ص ۳۸۳؛ زاد المسیر، ج ۶، ص ۲۲۶.

۳۱. سوره ی انبیا، آیه های ۵۲، ۵۱؛ سوره ی صافات، آیه ی ۹۶.

۳۲. سوره ی اعراف، آیه های ۱۴۸ و ۹۷؛ سوره ی طه، آیه های ۸۳، ۸۴.

۳۳. جباران، صورتگری در اسلام، ص ۵۱.

۳۴. ابن عربی، احکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۸.

۳۵. مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳۶. الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۵۶۴.

۳۷. الفقه المنهی، ج ۴، ص ۲۶۷.

۳۸. الموسوعه، الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳۹. الفقه المنهی، ج ۱، ص ۵۳۶۵.

۴۰. جباران، صورتگری در اسلام، ص ۱۵۷.

۴۱. همان، ص ۱۵۷.

